

میراث تمدن

قسمت ششم پاره‌ای ملاحظات

دقت در جدول فوق پاره‌ای نکات را بخاطر می‌آورد که ذیلاً چند فقره از آنرا تذکر میدهد .

۱- جدول فوق متضمن ۳۳۶ کشف و اختراع مهم است و بدیهی است که اگر بخواهیم از کلیه کشفیات و اختراعاتی که بدست افراد بشر بعمل آمده است صورتی تنظیم نمائیم کتابی خواهد شد ولی درین جدول بکشفیات و اختراعات عمده که حایز اهمیت بیشتری بوده است قناعت رفته است .

۲- مختصر توجیهی در اقلام جدول بخوبی نشان میدهد که در آغاز کار یعنی هنگامی که نوع بشر تازه در راه ترقی و معرفت و تمدن وارد گردیده بوده است کشفیات و اختراعات بسیار نادر و بسیار کند و ببطی بوده است چنانکه فاصله بین کشف اولی که در این جدول آمده است (آتش) و اختراع دوم (سنگ و استخوان تراش) ۳۵۰ هزار سال است و بلاشک قرن‌ها و بلکه هزاران سال طول کشید تا آباء و اجداد بسیار قدیمی ما که در غارها و جنگل‌ها زندگی میکردند فهمیدند که از آتش میتوان بهره‌ها گرفت و با احتمال قوی این نیز خود از برکت قضا و اتفاق (که در ترقی بشر نقش بزرگی را داشته و دارد) بوده است چنانکه میتوان فرض نمود که مردم در آن ادوار

واعصار آنچه را میخورده اند خام و پخته بوده است (حتی گوشت حیوانات و شاید گوشت انسان را) تا آنکه در اثر رعد و برق در جنگل و بیابان که مسکن و مأوای آنها بوده است حریق و آتش سوزی واقع میگردد و سپس هنگامی که رعد و برق میگذرد و آدمها میخواهند گوشت حیوانات نیمسوخته را بخورند متوجه میشوند که گوشت نیمسوخته و پخته بمراتب از گوشت خام نرم تر و خوشمزه تر است و از همان وقت در صدد بر میآیند که آتش را روشن نگاه داشته و از آن استفاده نمایند و وسیله روشن ساختن آتش را بدست بیاورند.

۳- هر چه بزمانهای کمونی نزدیکتر شویم بر تعداد کشفیات و اختراعات میافزاید بطوری که کم کم تقریباً در هر سال یک و چه بسا دو و سه و بیشتر کشف و اختراع نسبتاً مهم صورت پذیرفته است.

در همین اواخر در مقاله عالی و مفیدی که بقلم آندره کایو استاد در دانشگاه سوربون در پاریس در تحت عنوان :

«انسان بکجا میرود»

در مجله جدید التأسیس فرانسوی « پلانیت » (بمعنی « سیاره ») بچاپ رسیده است خواننده ام که : « ترقی که اسم دیگرش حرکت است مدام بر سرعت خود میافزاید. مقدار انرژی که مرتباً و مستمرآ در دنیا تولید میگردد در هر هفت سال دو برابر میشود و حتی مقدار محصول آلومی نیوم در هر پنج سال مضاعف میشود. تعداد کتاب و مقاله های علمی در هر ۴۰ سال دو برابر میگردد . عدد نفوس ساکنین کره ارض در هر ۴۰ سال فعلاً دو برابر میشود و حتی خود این زمانی هم که برای دو برابر شدن لازمست مدام کوتاه تر میشود». میگویند ترقی علوم و فنون در ظرف این پنجاه سال اخیر از تمام دوره تاریخ نوع بشر بیشتر بوده است و در بعضی رشته ها و از آن جمله در رشته «سرعت» ترقی با تصاعد

1- André de Cayeux : «Quelle Courbe Suit l'humanité?»
(«Planète» No = 14. PP. 135).

هندسی بجلومیرود یعنی با ۶۴،۳۲،۱۶،۸،۴،۲،۱... و نه با
تصاعد حسابی یعنی ۱، ۲، ۴، ۸، ۱۶، ۳۲، ۶۴... اکنون تا حدی میتوان
پی برد که کیفیت ترقی نوع بشر از چه قرار است .
علمای امروز معتقدند که نوع بشر هر یک از مراحل ترقی و تمدن را
پنج بار سریعتر از مرحله سابق طی نموده و از این پس نیز بهمین
نسبت طی خواهد کرد. همین علما میگویند که هر مرحله قبل آخر
۴ قرن طول کشیده است و ازینرو مرحله کنونی که امروز طی
میکنیم ۸۰ سال بیشتر طول نخواهد کشید (یعنی در واقع بمقدار
طول عمر افراد انسانی این زمان خواهد بود) و همین علما
باز میگویند که امروز اوضاع و احوال زندگی مادی مادر طول
عمر یک فرد باندازه یک میلیون سال زمانهای قبل تاریخی و
آغاز ظهور بنی نوع آدم بروی کره ارض تغییر مییابد و
دگرگون میگردد .

بموجب حسابهای علمی دقیقی که بعمل آمده است تعداد نفوس
ساکنین کره ارض در موقع میلاد مسیح یعنی در حدود دو هزار
سال پیش بین ۱۰۰ تا ۳۲۰ میلیون بوده است در صورتیکه امروز
تقریباً به ۳۵۰۰ میلیون رسیده است .

نکته جالب توجه این است که جمعیت دنیا با ترقیات علمی و فنی
دوش بدوش بالا رفته است و از همه عجیب تر آنکه امروز
تقریباً نصف علما و دانشمندان بزرگی که اختراعات و کشفیات
مهم این دوره اخیراً نوع بشر مهون و مدیون آنهاست در قید
حیات هستند و تعداد آنها که عده آنها حتی از نصف تمام
علمائی که از بدو خلقت تا امروز بوجود آمده اند بیشتر است و
این در صورتی است که دانشمند بسیار بزرگی مانند هانری -
پوانکاره فرانسوی فرموده است : «بزرگترین اتفاقات در دنیا
تولد یک مرد بزرگ است» .

۴- همچنانکه در بالا اشاره شده است محتاج بتذکر نیست که گذشته ازین
کشفیات و اختراعاتی که درین جدول بقلم آمده است کشفیات و اختراعات بسیار
دیگری هم بدست ملتهای مختلف بعمل آمده است که چون حایز اهمیت کمتری
است درین جدول وارد نگردیده است (از قبیل دیگ، انبر، میخ، کفش، کلاه، سیخ
قلم، چاقو، شمع و عزارها چیزهای دیگر) و حتی اقلامی نیز که در جدول داخلست همه
دارای یک درجه از اهمیت نیست بلکه بعضی از آنها دارای اهمیت بیشتری و برخی
دیگر از لحاظ مختلف دارای اهمیت کمتری میباشند.

در جدول رویه‌مرفته ۳۳۶ قلم کشف و اختراع نام برده شده است که ۲۳ قلم آن معلوم نگردید، است که نام مخترع و کاشف آنها از چه قرار است پس باقی میماند ۳۱۳ قلم که بترتیب جدول ذیل در میان ممالک مختلف تقسیم می‌گردد . بدیهی است ممکن است بعضی از کشورها پاره‌ای از این اقلام را که بنام دیگران درین جدول ثبت شده است بخودشان نسبت بدهند ولی تا آنجائی که برای نگارنده امکان پذیر بود در ضمن ترجمه توانست اطمینان خاطر حاصل نماید که ترتیب دهنده جدول بی طرف و بی غرض و بقول فرنگیها «اوبژ کتیف» بوده است و نیز نباید فراموش کرد که در این اوقات مرتباً بر سرعت و تعداد کشفیات و اختراعات افزوده میشود و درین جدول فقط اختراعات و کشفیاتی که تا سال ۱۹۶۱ میلادی بعمل آمده قلمداد گردیده است .

۵- آنچه از ملاحظه این جدولها و در وقت در اقلام آن مستفاد می‌گردد یکی هم این است که از زمانهای قدیم که تعداد اقوام و ممالک در دنیا محدود و محدود بود گذشته از زمان «رونسانس» و رستاخیز بزرگ اروپا که در قرن پانزدهم میلادی آغاز گردید تا با امروز که قرن بیستم دارد رفته رفته پیمان میرسد بر شماره کشورها مبلغی افزوده است ولی در حقیقت تنها تعداد بسیار اندکی از ممالک اروپائی (وسپس امریکا و روسیه) مشعلدار تمدن بوده‌اند (درینجا مقصود تمدن مادی و فنی است نه ادبی و فلسفی و عرفانی) و بطوری که این جدولها نشان میدهند از ۳۱۲ فقره کشف و اختراع مهم ۲۳۴ فقره آن (در حدود ۷۵ درصد) فقط بدست مردم چهار کشور ذیل صورت پذیرفته است:

فرانسه ۷۶ فقره

انگلستان ۶۴ «

آلمان ۵۴ «

امریکا ۴۹ «

۶- مابقی این ۳۱۲ فقره کشف و اختراع بدست مقداری از اقوام قدیمی از قبیل سومریها (در جنوب بین‌النهرین) و بابلیها و مصریها و چینیها و یونانیها و اهالی فنیقیه و روم غربی و شرقی و کشورهای دیگر که عموماً اروپائی هستند انجام پذیرفته است بترتیب ذیل:

تعداد کشف و اختراع	نام مملکت با رعایت درجه
۱۳	۱- مصر قدیم
۱۰	۲- ایتالیای قدیم و کنونی
۹	۳- چین قدیم
۹	۴- یونان قدیم
این دو کشور در یک ردیف هستند	۵- بلژیک قدیم و کنونی
۶	۶- روسیه قبل از انقلاب
این دو کشور در یک ردیف هستند	و بعد از آن
۴	۷- روم قدیم غربی و شرقی
۳	۸- هلند
۳	۹- اطریش
این سه کشور در یک ردیف هستند	۱۰- سومر
۲	۱۱- فنیقی
۲	۱۲- سوئیس
این چهار کشور در یک ردیف هستند	۱۳- اسپانیا
۲	۱۴- دانمارک
۱	۱۵- سرستان
۱	۱۶- مجارستان
این چهار کشور در یک ردیف هستند	۱۷- سوئد
۱	۱۸- لهستان

۷- برای نگارنده بسیار مایهٔ تعجب گردید که نام ایران را در این جدول ندیدم و یقین است که برای هموطنان دیگر نیز مایهٔ تعجب خواهد بود. چیزی که هست ما باید بدانیم که خدمتی که مردم ایران بتمدن کرده‌اند در زمینهٔ دیگری بجز مادیات بوده است و امروز احدی در روی کرهٔ ارض پیدا نمی‌شود که در مقابل آنچه پیامبر ایرانی زرتشت و ادبیات ما (مقصود ادبیات پس از مسلمان شدن ایرانیان است که آئینه حکمت علیا و زیباییهای شگفت‌انگیزی است که آنرا تصوف و شعر فارسی خوانده‌اند). برای مردم دنیا آورده‌اند سر تعظیم فرو نیاورد.

افسوس که گاهی در میان ما اشخاصی پیدا میشوند که حسن نیت و عشقشان بآنچه ایرانی نام دارد بر معرفت و انصافشان می‌چربد و چیزهایی را میخواهند ایرانی معرفی نمایند که ایرانی نیست و یا لاقول راه عراق و مبالغه می‌بینند چنانکه مثلاً در خاطر دارم که یکی از هموطنان ما در مجله «مهر» (شماره دوم از سال پنجم) نوشته است و عین عبارت آن از این قرار است :

«گیتی را نیاکان ما معمور و آباد کرده‌اند. اساس تمدن و شهر نشینی و پایهٔ علوم و صنایع که جهان را ترقی و تعالی کنونی رسانیده است موجود شدهٔ همت و دقت و فطانت اجداد ما بوده است».

در شمارهٔ اخیر مجلهٔ نوزاد «کاوه» که بهمت دوسه تن از جوانان باهمت ایرانی انتشار مییابد (شماره ۶، بهمن ۱۳۴۲) از زبان ایرانشناس بسیار ایراندوست ایتالیائی استاد بائوزانی چنین خواندم و استاد دربارهٔ این نشریهٔ ایرانی چنین اظهار فرموده است:

«... در آن نشریه از افتخارات ایران باستان و جهان‌گشاییهای شاهان هخامنشی بتفصیل یاد شده بود ولی دوران طولانی پس از اسلام تا زمان صفویه بیش از چند سطر از نشریه را اشغال نکرده بود در حالی که شعرای نامدار ایرانی نظیر فردوسی و سعدی و حافظ و نظامی و غیره متعلق باین دوران هستند و اصولاً آداب و سنن و اخلاق و روحیات ایرانی ملهم از ادبیات این دوران است ... از تمدن ایران باستان جز نمونه‌هایی از هنر معماری و اشیاء مورد مصرف

خانگی که آنهم از سبکهای معماری ملل همسایه نظیر بابلها و آشورینها تقلید شده و یا شاید بدست معماران اجنبی از همان ملل ساخته شده چیز دیگری باقی نمانده است و سنگ نبشته‌های آن دوران که از فتوحات پادشاهان هخامنشی و حدود و ثغور ایران یاد میکند در زمره ادبیات زمان باستان نمیتواند بحساب بیاید در حالی که دوران پس از اسلام مشحون از آثار گرانمای ادبی است که چون ستارگان آسمان نیلگون ایران در صحنه ادب و هنر جهان میدرخشد ... در جهان عصر ما کلام نافذ سعدی هزار بار بر نرسیده تر از شمشیر جهانگشای داریوش هخامنشی است و اگر جنگجویی و کشور گشایی را ملاک افتخارات گذشته قرار دهیم چنگیز خان مغول و پیشوای عظیم‌الشان آلمان جناب هیتلر هم مقام شایسته تری در جامعه بشری اشتغال خواهند کرد ... درباره قسمتی از افتخارات گذشته ایران غلو میشود و قسمت دیگر که واقعاً افتخار آمیز است نادیده گرفته میشود».

در کتاب آسمانی ما قرآن مجید آمده است که انسان برای عبادت خالق شده است و معلم و مربی بزرگوار ما فرموده است «عبادت بجز خدمت خلق نیست» و خدمت بخلاق صورتهای گوناگون دارد و یکی از شریفترین صورتهای آن همانا خدمت بعلم و هنر و معرفت است. راقم این سطور سابقاً در داستان «شاهکار یا عمو حسینعلی» نظر خود را در این زمینه چنین بیان کرده است.

«ملتی که ابناء آن در ظرف هر قرن اقلادوسه فقره شاهکار علمی و ادبی و فلسفی بوجود نیاورند جزو ملت‌های بیدار و ارجمند بشمار نمیآید و شایسته دوام و بقا نیست یعنی کالعدم است او وجود و عدمش برای مردم دنیا یکسانست و همانطور که شاعر گفته :

« در دفتر زمانه فتد نامش از قلم

هر ملتی که مردم صاحب قلم نداشت»

چون چنین ملتی در واقع بمنزله مردی است که نان بخانه نیاورد و طفیلی
وریزه خوار سفره دیگران باشد..»

در خصوص ادعاهای باطل هم در ضمن داستان «دو آتش»^۱ هم داستان مردی
را آورده ام که گرفتار وطن پرستی کاذب گردیده است و می خواهد درها و دروازه های ما
را بروی هر آنچه مخلوق و ساخته دیگرانست ببندد و بمال خودمان قانع باشد و
مدعی است که با آسانی میتوان از عهده چنین کاری برآمد و بادوستانش شرط و نذر
می بندد و چنانکه در طی داستان بتفصیل آمده است شرطش را می بازد و چشمش باز
میشود و دوستانش تهنیت کنان باو میگویند :

«... از این پس وطنی را دوست خواهی داشت که حقیقتاً وطن تست.
تو تا بحال وطنی را می پرستیدی که آفریده پندار فریبنده و بی پایه
تو بود و در واقع بتی بود که خود تراشیده بودی و مانند آب جاری
و سایه روان نقش پذیر عشق و خدمتگزاری نبود در صورتی که ازین
بعده عاشق و اخلاص مند معشوقه زنده و جان داری خواهی بود که
چون مقرون به حقیقت است برایت میسر و مقدور خواهد بود که
خاک در گاهش را سرمه دیدگان قرار بدهی و سر بر آستانه مبارکش
بسائی و از جان و دل خدمتگزار صادق و خلصش باشی.»

مخلص کلام آنکه کاخ شامخ تمدن محتاج مصالح بسیار و اسباب و لوازم
گوناگون فراوانست و ایران ما در گذشته بسهم خود در انباشتن و پرمایه ساختن
گنجینه معنوی این کاخ کمک بسزائی نموده است و تمام آرزوی ما ایرانیان امروز هم
باید همین باشد که این شرکت خجسته و پرشرافت و افتخار در آینده نیز روزگاران
درازی مستمر و دامنه دار و برونمند و پابرجا بماند.

«پایان»